



۱۳۲۸ / ۴ / ۲۰

موارد رفع مسؤلیت در

ارتکاب جرم

«در اسلام»

1619/2

۲۹۹۸۶

دانشگاه فردوسی مشهد
 مرکز تحقیقات حقوقی و قضایی
 ۹۸۹۹

فهرست مطالب

صفحه	عنوان	عنوان
	عناوین	دیباچه
	عاقله چه کسانی هستند	مقدمه
۲۱	عاقله بودن در آن	معنای لغوی و اصطلاحی جرم
۲۱	عاقله شخص بدون خویش	انقسام جرم
۲۱	ضابط در خطایی شبیه عمد	مسئولیت جنایی و کیفری
۲۲	قتل در خطا در فقه اهل سنت	اسباب رفع و کیفری
۲۳	مسئولیت مدنی در خطا (فصل ۲)	تذکر
۲۴	نسیان	پیش (اول)
۲۴	حکم نسیان	حدیث رفع
	فصل (۲)	شرح حدیث
۲۵	اکراه	مرفوع در حدیث
۲۶	تعریف اکراه	نظر شیخ نصری پیرا مومقندر
۲۷	شروط محقق اکراه	ادله تقدیر جمیع آثار
۲۸	مرجع تشخیص ضرر	اشکالات مرحوم آخوند حکمیة
۴۰	اکراه بدون تهدید	دلیل بر شمول حدیث بر شبهه
۴۱	اکراه و قصد	معنای رفع در حدیث
۴۱	نظرا ما در مورد قصد اکراه	معنای رفع در سایر موارد حدیث
۴۲	مسئولیت جنایی در اجبار	حدیث رفع، رافع آثار شرعی
۴۲	رفع مسئولیت در اجراه	حدیث رفع، رافع آثار شرعی لابشرط
۴۳	حکم اکراه در قتل	انقسام آثار شرعی
۴۴	حکم اکراه غیر ظالمانه	کلام مرحوم آخوند خراسانی -
۴۵	نظر محقق عراقی ۰۰۰	پیرا مومقندر آثار شرعی
۴۶	تحقق اکراه در زنا	فکر و قصد ارتکاب جرم
۴۶	مکره گردیدن مرد	ضابطه در رفع آثار شرعی لابشرط
۴۸	تحقق اکراه در شرب خمر	فصل (۱)
۴۹	اکراه در ارتداد	خطا
۵۰	اکراه به قطع و جرح	حکم خطا از نظر مسئولیت جنایی
۵۰	اکراه بر قضاوت	خطا در قتل
	فصل (۴)	ضابطه در خطای محض
۵۲	اجتهاد	وجه تسمیه افراد به عاقله
۵۲	ملاک در علم به تحریم	

۲۶۹۸۴

فهرست مطالب

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۸۰	دلالت قاعدتفی حرج بر عدم مسئولیت مضطر	۵۳	جهل در ابواب مختلف فقهی
۸۱	نمونه‌هایی از احکام اضطرار در ابواب فقه	۵۴	شبهه
۸۲	اضطرار به خمر	۵۴	مدرک و مستند قاعده ۵۰۰
۸۳	اضطرار به شرب خمر	۵۴	اشکال در ارسال حدیث
۸۵	اضطرار در زنا	۵۵	ضابط در شبهه
۸۶	اضطرار در قتل	۵۶	اقسام جهل و شبهه
۸۶	نظر علمای امامیه	۵۷	جهل قصوری و تقصیری
۸۷	جواز قطع	۵۸	شمول قاعده
۸۷	دزدی مضطر	۶۰	موارد سقوط قصاص
۸۸	نظریه‌های امامیه	۶۱	شبهه
۸۹	نظریه‌ها در مورد دزدی در سال مجامع	۶۲	ادعای شبهه
۹۲	حدیث رفع		شبهه در ادعای اکراه، زوجیت
۹۲	تعریف جنون	۶۳	وصف رسوایی
	فصل (۷)	۶۴	شبهه خاراکم
۹۴	کودکی	۶۶	رجوع از اقرار فصل (۵)
۹۵	ارتکاب جرایم موجب حد	۶۷	عدم طاققت
۹۵	حکم زنای کسودگان	۶۸	معنای کلمه طاققت
۹۷	حکم سواط پسر چیه	۶۹	سخن علامه مجلسی
۹۸	حکم شرب مسکر	۷۰	قاعده عسرو حرج
۹۸	حکم ارتداد	۷۰	دلایل و مدارک دیگر قاعده
۹۸	حکم سرقت	۷۱	تقدم قاعده لاجرح بر ادله اولیه
۱۰۱	ارتکاب جرایم موجب تعزیر	۷۱	اشکال
۱۰۱	کیفیت و اندازه تادیب کودکان	۷۲	جواب
۱۰۲	ارتکاب جرایم موجب قصاص	۷۲	شمول قاعده
۱۰۳	عساکله کودک مسر راهی		فصل (۶)
۱۰۳	کسودک و ضمانت	۷۳	اضطرار
	فصل (۸)	۷۳	تعریف اضطرار
۱۰۴	جنون	۷۴	اضطرار و قصاص
۱۰۴	تعریف جنون	۷۵	شروط ارفع بودن اضطرار
۱۰۵	اقسام جنون	۷۹	مسئولیت جنایی در حالت اضطرار

فهرست مطالب



صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۱۲۷	نظر امام در مورد توبه خمر	۱۰۵	عدم مسئولیت دیوانه
۱۲۸	اثر توبه بعد از قیام بینه بر شرب	۱۰۶	شرط رفع مسئولیت از دیوانه
۱۲۸	اثر توبه بر سرقت	۱۰۶	مسئولیت مدنی دیوانه
۱۲۸	توبه محارم و محارمات ز قیام بینه	۱۰۷	ارتکاب جرایم موجب حد
۱۲۹	اثر توبه قبل از قیام بینه بر حد زنا	۱۰۹	حکم لواط دیوانه
۱۲۹	اثر توبه بعد از لواط	۱۰۹	حکم قذف
۱۲۹	اثر // // // // // سحر	۱۱۰	حکم سرقت مجنون
۱۳۰	توبه ز ارتداد مرد	۱۱۰	حکم ارتداد دیوانه
۱۳۰	مهلت توبه در ارتداد	۱۱۱	حکم شرب مسکر توسط دیوانه
۱۳۱	توبه زن مرتد	۱۱۲	حکم ارتکاب جرایم موجب قصاص
۱۳۱	کیفیت توبه مرتد	۱۱۲	فصل (۹)
۱۳۱	توبه مستحل شرب و فروش خمر	۱۱۲	خواب
۱۳۲	توبه بعد از قرار به حد	۱۱۵	ارتکاب جرایم موجب قصاص
۱۳۲	حکم توبه بعد از قرار به شرب خمر	۱۱۶	بی هوش
۱۳۳	توبه بعد از قرار به سحر	۱۱۶	هیپنوتیزم یا خواب مصنوعی
۱۳۳	حکم توبه در قذف		فصل (۱۰)
۱۳۴	توبه در قصاص	۱۱۸	مستی
۱۳۴	ثبوت توبه محارم	۱۱۸	مسئولیت جنایی مست
	فصل (۱۲)	۱۲۲	مسئولیت جنایی مست عرفه اهل و اختیار
۱۳۶	ا ب س و ت	۱۲۳	استعمال مواد زایل کننده قصد
۱۳۷	حکم پدر پدر و ...	۱۲۴	عدم سقوط مسئولیت
۱۳۸	جنایت در عضو	۱۲۴	قول به تفصیل
۱۳۸	ارتکاب جرایم موجب حد	۱۲۵	کلام مترجم شرایع
۱۳۸	زنا یا کنیز پس		فصل (۱۱)
۱۳۸	سرقه پدر از فرزندان	۱۲۶	توبه
	فصل ۱۳	۱۲۷	وجوب توبه
۱۴۱	قاعده جناب		
۱۴۲	مفاد قاعده جناب		

فهرست مطالب

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۱۷۱	بِخِش (۴)	۱۴۵	امتنائی بودن قاعده
	فصل (۱)	۱۴۵	مواردی که مشمول قاعده است
۱۷۲	اقبال محدود	۱۴۶	مواردی زکا ربرد قاعده جبرده رفقه
۱۷۴	شمول حکم در مورد تعزیر	۱۴۸	قاعده نفی
۱۷۴	حد و تعزیر بیمار	۱۴۸	مستندات قاعده
۱۷۵	خطای حاکم	۱۴۹	ولایت و مضمون قاعده نفی سبیل
۱۷۶	خطای حاکم در رفقه اهل سنت	۱۵۰	قاعده لوئونفی سبیل
۱۷۶	سرایست	۱۵۱	عدم قضا صبر کشتن کافر
۱۷۷	تعزیر حاکم و حداد	۱۵۳	بِخِش (۴)
	فصل (۲)		فصل (۱)
۱۸۹	دفاع فردی در اسلام	۱۵۴	عفو
۱۸۱	دفاع از جان و ناموس	۱۵۴	عفو بر مبنای مصلحت
۱۸۲	دفاع از مال	۱۵۵	حکم عفو
۱۸۳	دفاع از دیگری		سخن ما حبال تشریح الجنایة در مورد
۱۸۳	شروط دفاع	۱۵	لاضا و عفو
	نظرا حجاوا هر در مورد ترتیب	۱۵۷	عفو و جرایم و وجوب قصاص
۱۸۶	در دفاع	۱۵۹	مصالحه
۱۸۷	عدم مسئولیت مدافع	۱۵۶	عفو در حدود و تعزیرات
۱۸۹	حکم دفاع از ناموس	۱۶۰	اثر عفو بر سذ و ط تعزیر
۱۸۹	عدم لزوم اقامه بنیة		فصل ۲
۱۸۸	فرف بردفاع درگا زگرفتن	۱۶۱	عدم مرافعه
۱۹۱	دفاع در مقابل مطلق	۱۶۲	عدم مرافعه
۱۹۲	دفاع در مقابل مجنون	۱۶۳	کلام قاضی ما وردی
۱۹۳	دفاع در برابر حیوان	۱۶۴	اقا ه حدود النا سید و نمط الیه
	فصل (۳)	۱۶۵	اهل دار
۱۹۵	دفاع اجتماعی	۱۶۵	عدم یوا لاسیا بجرمت
۱۹۵	معنای مریه معروف و نهی منکر	۱۶۷	جرایم موجب اهدار
۱۹۵	وجوب مریه معروف و نهی منکر	۱۶۹	فروع

فهرست مطالب

۲۲۱	شرایط لعان در انکار فرزند	۱۹۶	۱۹۶	لسطف
۲۲۲	لعان تنها نزد ما صحیح است	۱۹۵		نوع و جوباً مر به معروفه نهی از منکر
۲۲۳	کیفیت لعان	۱۹۸		تفاوت دفاع خود با اجتماعی
۲۲۴	حکم لعان	۱۹۹		شرایط جوباً مر به معروف و نهی از منکر
۲۲۵	فهرست منابع	۲۰۰		مراتباً مر به معروف و نهی از منکر
			۲۰۱	جرح و قتل در نهی از منکر
		۲۰۲		حکم ضرر و جنایت در نهی از منکر
		۲۰۲	۲۰۲	حکم تعزیری در نهی از منکر
				فصل (ع ۴)
		۲۰۳		تا دیب
		۲۰۴	۲۰۴	توضیح آیات
		۲۰۵		تا دیب طفال
		۲۰۵		شروط تا دیب
		۲۰۶		حکم تا دیب که موجب قتل شود
		۲۰۸		حکم تا دیب در فقه اهل سنت
				فصل (۵)
		۲۰۹		طبابت
		۲۰۹		حکم نگاه و لمسنا محرم
		۲۱۰		حکم نگاه و لمس در مورد پزشک
		۲۱۱		حکم جنایت و تلف در معالجه
		۲۱۲		قاعده احسان در مورد طبیب
		۲۱۳		عدم مسئولیت طبیب در فقه اهل سنت
		۲۱۴		قول به مسئولیت و ضمانت طبیب
		۲۱۶		عدم مباشرت طبیب به معالجه
		۲۱۶		حکم ختنه کننده
				بخش (۴)
		۲۱۹		لعان
		۲۱۹		تعریف لعان
		۲۲۰		شان نزول آیه
		۲۲۰		اسباب لعان
		۲۲۰		شروط لعان در مورد فذف

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين والصلوة على محمد وآله الطاهرين
ديباچه

این نوشته مختصر، جزسندی بر قصور مولفش نیست اما خرسندم که لایکلف الله نفسا
الاولیها، و حقیر نهایت سعی و تلاش خود را جهت نگارش آن بکار گرفته است.
بنا بر این تمام خلل موجود، در آن، نه از تقصیر، بل از قصور است که:
فرورفتم به دریایی که نیپا و نه سردارد ولی هر قطره‌ای از آن به صد دریا اثر دارد
چه گردی گرد این دریا که هر کومردا پیره شد از این دریا به هر ساعت تحیر بیشتر دارد
به هر حال با صرف حدود ۸ ماه وقت، بسیار نوشتم و پاره کردم و تغییر دادم، تا این،
مجموعه تهیه گردید.

نکته‌گاه و ماء خداصلی آن، دریا ی پر ذرفه اسلامی، جواهر الکلام استوانتخاب
این کتاب نیز به جهت این بود که بعلاوه همه مزایایش، نظرات متقدمین و متأخرین را با
بهترین نحو، حائز بوده، بدون اینکه خواننده در آن نقلت‌ها و اختلافات و... گم شود.
بدیهی است، که از نظر سایر علماء و بزرگان اسلام، اعم از متقدمین و متأخرین، تا
آنجا که وقت و توان اجازه داده، غفلت ننموده‌ام.
در عین حال هر آنچه را که فهمیدم، نوشتم و برای یافتن و فهم کردن مطالب آن تلاش
بسیاری نمودم، تا چه مقبول افتد و چه در نظر آید.

ابوالحسن باقری‌نسب

جُنتِ حَمْرٍ
مَسْئُولِيَّتِ جِنَايَتِ وَيَسْفِرِ

مقدمه

جرم

معنای لغوی و اصطلاحی جرم :

جرم و جریمه از جرم ، به معنای کندن و چیدن میوه از درخت و قطع کردن است. این واژه (جرم) بطور استعاره ، برای ارتکاب زشتی و انجام و کسب گناه بکار می‌رود . (۱)

کتاب التحقیق فی کلمات القرآن : معنای اصلی این کلمه عبارت است از قطع کردن برخلاف اقتضای حق ، و به مناسبت این معنا و قید مذکور، در موارد مختلف استعمال می‌گردد، از آن جمله :

الف - ذنب : گناه ، به لحاظ اینکه گناه بزرگترین سبب انقطاع از م خداست و بنده با ارتکاب ذنب و عصیان ، از سیرالی الله متوقف و توجه اش به او ، قطع می‌گردد.

ب - قطع کردن درخت یا چیدن میوه هنگامی که خلاف مصلحت و اقتضا باشد -

ج - جسد : به سبب انقطاع عشا از روح هنگامیکه خالی و من حیث هـ و ، (به تنهایی) در نظر گرفته شود.

د - پشم گوسفند : زیرا آن خلاف مقتضای حیات اوست ، پشم لباس گوسفند است . (۲)

و در اصطلاح ، عبارتست از انجام فعل حرامیکه بر ارتکاب آن ، عقوبت مترتب گردد یا ترک نمودن فعلی است که ترکش ، حرام بوده و بر آن ، عقوبت مترتب گردد . (۳)

۱- مفردات راغب ذیل واژه جرم

۲- التحقیق فی کلمات القرآن الکریم ج ۱ ص ۷۵

۳- الشریع الحنایی

یا جرم : عبارتست از انجام دادن فعل ، یا برزبان راندن سخنی که اسلام آن را حرام شمرده است و بر فعل آن کیفر ، مقرر داشته است؛ یا ترک فعل ، که قانون اسلام آنرا واجب شمرده و بر ترک آن ، کیفر مقرر داشته است .

اقسام جرم :

✓ گروهی از حقوقدانان اسلام جرم را به دو قسم تقسیم می‌کنند:

۱- جرمهایی که اثبات آنها در محکمه قضایی دشوار، بلکه محال به نظر می‌رسد؛ زیرا این گونه گناهان در ماهیت خود به گونه‌ای هستند که غالباً " شواهد و ادله‌ای که بتواند آنها را اثبات کند، در دست نیست .

۲- جرمهایی که در محکمه قضایی بواسطه ادله و شواهد قابل اثبات است . اینها جرمهایی هستند که کیفر دنیوی از حدود ، تعزیرات ، قصاص و دیات برای آنها مقرر شده است .

این حقوقدانان جرم را برای این دسته اصطلاح کرده‌اند، چنانکه ابولحسن ماوردی در تعریف جرم گفته است:

الجرائم محظورات شرعیة زجر الله تعالی عنها بحد أو تعزیر :

یعنی ؛ جرائم، ممنوعات شرعی هستند که خداوند بواسطه کیفر حد یا تعزیر مردم را از ارتکاب آنها، باز می‌دارد (۴) و شاید مزاد آنها از حد معنی عام کلمه است که شامل هرگونه کیفر معین اسلامی شود بنا بر این قصاص و دیات را نیز در بر می‌گیرد که از کیفرهای معین هستند (۵)

آنچه که در این نوشتار؛ یعنی ؛ موارد رفع مسئولیت در ارتکاب جرم ، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد، جرم به همین معناست ؛ یعنی آنچه ، کیفر دنیوی

۴- الاحکام السلطانیة ج ۲ ص ۲۱۹

۵- مقارنه ج ۱ ص ۷۱

از حدود و تعزیرات و قصاص و دیات برای آن ، مفرر شده است.
بنابراین پیرامون عوامل و اسبابی بحث می شود که با وجود ارتکاب
این امور ممنوع شرعی ، موجب سقوط مسئولیت جنایی و مجازات
اصلی جرایم می گردند.



مسئولیت جنایی و کیفری

عبارتست از متحمل گردیدن انسان، نتیج و عواقب جرمی را که خود، از روی—
علم و اختیار مرتکب گردیده و نتایج آنرا درک می کرده است. (۱)
با توجه به این تعریف می توان گفت: هر انسانی که حائز شرایط عامه—
تکلیف، یعنی، بلوغ، عقل، قصد (جنائی) و اختیار باشد و مرتکب
جرمی گردد، مسئول بوده، مجازات می شود.

به عبارت دیگر: هر کس واجد شرایط ذیل باشد:

الف: ادراک تام عبارتست از:

۱- عقل .

۲- بلوغ .

۳- علم به تحریم .

ب: اختیار .

ج: قصد .

د: قدرت

و از او امر و نواهی خداوند تخطی نماید، و مرتکب جرم گردد، مسئولیت
جنایی خواهد داشت؛ یعنی، کیفر دنیوی و اخروی بر او ثابت می گردد.

۱- مقارنه ۰۰۰ ص ۲۳ - والتشریح الجنایی ج ۱ و حقوق

جزاء در اسلام ۶۶ - ۱۶۵

اسباب رفع مسئولیت در جرم :

در مورد اسباب رافع جرم ، به کتب زیادی مراجعه نمودم ، اما هیچیک از آنها حاوی یک تقسیم بندی جامع و مانع نبود .

لذا بعد از بحث و بررسی در این مورد ، این نتیجه حاصل گردید که می توان این عوامل را به چهار قسم تقسیم کرد :

۱- عوامل و خصوصیات که مربوط به فاعل جرم بوده و بواسطه آنها ، مسئولیت کیفری ساقط می گردند . این عوامل خود به دو گروه تقسیم می گردند :

الف - عوامل که در حدیث رفع ، ذکر گردیده اند ؛ یعنی ،

- ۱- خطا ۲- نسیان ۳- اکراه ۴- جهل ۵- عدم توان
۶- اضطرار ۷- کودکی ۸- جنون ۹- خواب

ب : عواملی که بواسطه غیر حدیث رفع ، ثابت گردیده اند ، که عبارتند از :

- ۱- مستی ۲- اسلام فاعل ۳- ابوت فاعل ۴- توبه کردن فاعل

عوامل دیگری همچون بیهوشی ، خواب مصنوعی ، سهو و غفلت و ... نیز ملحق به این دو دسته اند .

۲- عوامل و خصوصیات مربوط به کسی که بر او جرم و جنایت واقع شده است : (۱)
۳- عوامل و خصوصیات رافع جرم که مربوط به فعل است . عبارت دیگر فاعل (فعال ذیل ، در صورتی که معنی مجرمانه خانی کرده ، مسئولیت جزایی نخواهد داشت ؛
۱- اقامه حدود .

۲- دفاع فردی .

۳- دفاع اجتماعی .

۴- طبابت .

۵- تاء دیب .

بنا بر اینست همه این افعالی یکی از این دو امر می باشد : الف : انجام واجب و ب : افعال حقوق

(۱) ۱- عقوه مصداق و ... ۲- عدم مزاحمت ۳- سهو و سهواً او

۴- دستورالعمل شارع : عامل دیگری که موجب سقوط مسئولیت کیفری می‌گردد، دستورالعملی است از سوی شارع مقدس، که به آن لعسان گفته می‌شود.

تذکره:

در اینجا لازم به ذکر دو نکته می‌باشد:

نکته اول : یکایک عوامل مذکور، رافع مسئولیت کیفری و جنایی به نحو کامل نیستند، بلکه بعضی از آنها، تنها عقوبت اصلی را مرتفع و کیفر سبک‌تری بجای آن قرار می‌دهند؛ مثلاً "قصاص را ساقط و بجای آن دیه را برجانی ثابت - می‌کنند و ...

نکته دوم : رافع بودن بعضی از موارد مذکور مورد اتفاق همه فقهای اسلام می‌باشد، مانند اکراه و ... اما در مورد بعضی از آنها، بین فقهای عظام - اختلاف وجود دارد، مانند طبابت، تاء دیسب و ...

به هر حال در بحث از هر یک از این عوامل و اسباب، کیفیت رافعیت و نظر فقها و علماء ذکر خواهد شد.

بخش اول

حدیث رفع

فصل ۱: خطا

فصل ۲: فراموشی

فصل ۳: اکراه

فصل ۴: جهل

فصل ۵: ناتوانی

فصل ۶: اضطرار